



## درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۴/ اردیبهشت/ ۱۳۹۸

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

موضوع جزئی: ادله منکرین استناد نهج البلاغه به علی(ع) - دلیل سیزدهم و بررسی آن - مصادف با: ۸ رمضان ۱۴۴۰

مصادر نهج البلاغه

جلسه: ۱۰

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تاکنون دوازده دلیل از ادله مخالفان انتساب و استناد نهج البلاغه به حضرت علی(ع) را ذکر کردیم.

### دلیل سیزدهم

این دلیل را در لابه‌لای مباحث گذشته به انحاء مختلف مورد اشاره قرار دادیم و شاید از جهتی می‌توانستیم این دلیل را در زمره ادله مخالفان انتساب نهج البلاغه به حضرت علی(ع) ذکر نکنیم ولی در عین حال این قابلیت را دارد که به صورت استقلالی مورد بحث قرار گیرد.

محصل این دلیل این است که نفس عدم ذکر منبع و مصدر برای نهج البلاغه، بهترین شاهد بر وضع و جعل نهج البلاغه است. یعنی همین که سید رضی منابع و مآخذ خطب و نامه و حکمت‌ها را ذکر نکرده است، باعث می‌شود اصل انتساب این مطالب به حضرت علی(ع) زیر سؤال رود.

ذهبی در همین رابطه می‌گوید: «سید رضی واضع نهج البلاغه است، زیرا این سخنان را به علی رضی الله عنه نسبت داده و هیچ سندی برای آن بیان نکرده است»<sup>۱</sup>.

### بررسی دلیل سیزدهم

این دلیل شاید به یک معنا مهمترین ادله مخالفان انتساب نهج البلاغه به حضرت علی(ع) می‌باشد که با توجه به مطالبی که در گذشته بیان کردیم بطلان این دلیل نیز روشن است. در اوائل بحث شواهدی را ذکر کردیم مبنی بر اینکه نهج البلاغه سخنان خود حضرت علی(ع) است. یعنی حداقل وضع آن توسط سید رضی را نفی کردیم از جمله اینکه خود سید رضی شخصیتی است که از نظر زهد، پاکی، تقوا، دیانت و وثاقت کسی نیست که مطلبی را بی جهت و بدون دلیل و خدای نکرده به دروغ به حضرت نسبت دهد، این نکته‌ای است که بسیاری از کسانی که به تراجم و زندگی نامه بزرگان مطلع هستند اذعان کردند، ترجمه نویسان نوعاً این مطلب را بیان کردند.

به علاوه بسیاری از این خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها در کتاب‌هایی که قبل از سید رضی تألیف شده، آمده است و خود این امکان وضع این کتاب توسط سید رضی و عدم انتساب آن به حضرت علی(ع) را نفی می‌کند.

<sup>۱</sup> سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۵۸۹.

البته ممکن است کسی بگوید: همان‌ها نیز این سخنان را وضع کردند. یعنی قبل از سید رضی بعضی از پیروان اهل بیت (ع) و محبین حضرت علی (ع) این سخنان را وضع کردند تا به نوعی مقام حضرت علی (ع) را بالا ببرند، به خصوص در مورد بعضی از خطبه‌ها و حکمت‌ها و نامه‌ها ممکن است از دید آن‌ها این مطلب مصداق پیدا کند.

ولی این هم سخن باطلی است، زیرا ذکر این سخنان منحصر در عالمان و دانشمندان شیعه نیست، بسیاری از علماء و محدثان غیر شیعه و حتی مورخین غیر شیعه نیز این مطالب را نقل کردند. به هر حال اینکه در بسیاری از کتاب‌ها بخش زیادی از خطبه‌ها و حکمت‌ها و نامه‌ها بیان شده است، می‌تواند دلیل بر بطلان این دلیل باشد.

همچنین گفتیم برخی از این کلمات در روایاتی که از ائمه معصومین وارد شده است وجود دارد.

به هر حال حدود هشت شاهد بر اینکه مطالب نهج البلاغه منتسب به حضرت علی (ع) است نه اینکه توسط سید رضی و دیگران وضع شده باشد، بیان کردیم که شما را به آن مباحث ارجاع می‌دهیم.

اجمالاً آنچه که در آن مقام گفتیم می‌تواند بطلان این دلیل را ثابت کند.

### مصادر نهج البلاغه

#### الف) مصادر مذکور در نهج البلاغه

همانطور که قبلاً بیان شد با اینکه بنای سید رضی بر این نبوده که مأخذ و مدارک را نقل کند (همانطور که گفتیم ایشان بیشتر به جنبه‌های بلاغت و فصاحت کلمات علی (ع) توجه داشته و آن‌ها را جمع‌آوری کرده است. از دید او این کتاب یک کتاب حدیثی و تاریخی نبود که خودش را ملزم ببیند که مدارک و مأخذ را ذکر کند، ولی به خاطر دیانت و وثاقتی که داشت تا برای او این مطلب که این سخن متعلق به حضرت علی (ع) است محرز نشده بوده، آن‌ها را در کتاب نمی‌آورده است) اما از ابتدا تا انتها نام پانزده مأخذ را خود سید رضی بیان می‌کند که عبارتند از:

۱. البیان و التبیین تألیف جاحظ.<sup>۱</sup>

۲. تاریخ طبری (تاریخ الامم والرسول والملوک) که سید رضی در حکمت ۳۷۳ به آن کتاب اشاره می‌کند.<sup>۲</sup>

۳. الجمل واقدی که سید رضی خطبه‌های ۲۳۱ و نامه ۷۵ را از او نقل کرده است.<sup>۳</sup>

۴. المغازی سعید بن یحیی اموی.<sup>۴</sup> این یک کتاب معتبر و از قدیمی‌ترین کتاب‌هایی است که درباره رسول خدا با جزئیات کامل نوشته شده است. بسیاری از کتاب‌هایی که در مورد سیره رسول خدا (ص) تألیف شده مشتمل بر جزئیات نیست. البته این کتاب کاملی بوده است تحت عنوان «التاریخ و المغازی و المبعث»؛ منتهی تنها بخش مغازی در دسترس مانده است که اشاره به جنگ‌های پیامبر داشته است، آن‌هم نه خصوص غزوه‌ها؛ زیرا گاهی در این کتاب از سرب‌های پیامبر (ص) نیز سخن گفته شده است و در عین حال مشتمل بر برخی نصایح و مواعظ و توصیه‌های پیامبر (ص) نیز می‌باشد، ولی به جزئی‌ترین امور در این کتاب اشاره

<sup>۱</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۲، ص ۲۶. (کتاب مصادر نهج البلاغه نوشته سید عبدالزهره حسینی از جامع‌ترین کتاب‌هایی است که در مورد مصادر نهج البلاغه نوشته شده است)

<sup>۲</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۲۴۳.

<sup>۳</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۱۴۹.

<sup>۴</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۱۵.

شده است. مثل اینکه در فلان جنگ چند نفر حضور داشتند و چند نفر از دشمنان پیامبر(ص) کشته شدند و چند نفر از سپاه اسلام شهید شدند. همه این‌ها را با دقت نقل کرده است و طبق آنچه که گفتند، خود مؤلف از نزدیک در این مناطق حضور پیدا می‌کرده و این‌ها را با توصیفات دقیق نوشته است. در جایی از این کتاب بخشی سخنان حضرت علی(ع) نیز بیان شده است.

۵. المقالات ابو جعفر اسکافی.<sup>۱</sup>

۶. المقتضب کتابی که در علم نحو و صرف است که محمد بن یزید میرد (م ۲۸۵ ه ق) آن را تألیف کرده است. این کتاب با اینکه در علم نحو و صرف است ولی به ۵۰۰ آیه قرآن در مسائل نحو و صرف استشهاد کرده است. البته استشهاد این کتاب به احادیث نبوی کم است ولی در مواردی نیز به کلمات حضرت علی(ع) استشهاد کرده است. سید رضی این کتاب را نیز به عنوان مأخذ روایتی که از حضرت علی(ع) نقل کرده است بیان کرده.<sup>۲</sup>

۷. حکایت ابی جعفر محمد بن علی(ع)(امام باقر) از حضرت علی(ع).<sup>۳</sup>

۸. حکایت ثعلب از ابن ابی الاعرابی.<sup>۴</sup>

۹. خبر ضرار الضبائی (ضرار الصابی).<sup>۵</sup>

۱۰. روایت ابی جحیفه.<sup>۶</sup>

۱۱. روایت کمیل بن زیاد.<sup>۷</sup>

۱۲. روایت مسعده بن صدقه که از اصحاب امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) بود و سید رضی خطبه اشباح(خطبه ۹۱) را به این روایت مستند کرده است.<sup>۸</sup>

۱۳. نوف بن فضاله بکالی. بکال یا بکاله نام یک قبیله بوده که نوف منسوب به آن قبیله است. نوف بکالی نگهبان دربان حضرت علی(ع) و از اصحاب خاص ایشان در زمان خلافت حضرت بوده. دیروز هم یک توصیه از حضرت علی به نوف بکالی خواندیم. دو روایت را سید رضی از نوف بیان می‌کند.<sup>۹</sup>

۱۴. روایت ابو عبید قاسم بن سلام.<sup>۱۰</sup>

<sup>۱</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۱۶۹.

<sup>۲</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۲۶۳.

<sup>۳</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۱۶۹.

<sup>۴</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۲۵۷.

<sup>۵</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۱۶۶.

<sup>۶</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۲۴۴.

<sup>۷</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۱۸۶.

<sup>۸</sup> شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۳۸.

<sup>۹</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۲، ص ۱۲۴ و ج ۳، ص ۱۷۳.

<sup>۱۰</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۲۱۲.

۱۵. روایتی که سید رضی به خط هشام بن کلبی یافته است.<sup>۱</sup>

به هر حال پانزده مأخذ را خود سید رضی نام می برد ولی این منابع در مقابل این همه سخنی که سید رضی از حضرت علی (ع) نقل کرده است بسیار کم و کالعدم است. به همین جهت از قدیم الایام برای دفع ایراد و اشکال عدم ذکر منبع برای نهج البلاغه تلاش‌های بسیاری برای جمع‌آوری مدارک و اسناد نهج البلاغه صورت گرفته است. وقتی ذهبی در تاریخ خودش این اشکال را مطرح می‌کند معلوم می‌شود مسئله‌ای است که برخی از متعصبین روی آن تأکید می‌کنند.

#### (ب) سایر مصادر نهج البلاغه

کتاب‌هایی که در این رابطه نوشته شده و تلاش‌هایی که صورت گرفته است، (علی رغم نقص‌هایی که در بسیاری از این کتب وجود دارد) را اجمالاً عرض می‌کنیم:

۱. در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید یکی از کارهایی که وی انجام داده ذکر مأخذ و منابع و مصادر حکمت‌ها و خطبه‌ها و نامه‌ها است. هرچند بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها را هم بدون ذکر منبع و مأخذ آورده است، به این دلیل که اهتمامش به شرح نهج البلاغه بوده و در صدد جمع‌آوری مدارک و مأخذ نبود.

۲. کتاب مدارک نهج البلاغه متعلق به کاشف الغطاء که ایشان نیز در صدد جمع‌آوری همه مدارک نبوده است. مثلاً از خطبه ۲۰ به خطبه ۲۲ و ۲۷ رفته و از خطبه ۱۰۰ به خطبه ۲۰۰ رفته، یعنی نه انتظام و ترتیبی در آن است و نه جامعیتی که مصادر همه خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها را بیان کند و متأسفانه در برخی از موارد به کتاب‌هایی که اعتبار چندانی ندارند استناد کرده است مثلاً در بعضی از موارد سخن حضرت را به کتاب «ناسخ التواریخ» مستند کرده است.

مشکل دیگری که در این کتاب وجود دارد این است که گاهی مأخذ و مدارک را به صورت مبهم ذکر کرده است، مثل اینکه گفته است: «ذکرها جماعه من اصحاب السیر» که ایشان یا در آن موقع ضرورتی نمی‌دید که نام اصحاب سیر را بنویسد چون برای خودش مسلم بود یا به حافظه‌اش اتکا کرده است و تحقیق مجدد نکرده است که نام این اصحاب را بنویسد. یا مثلاً گفته است «ذکرها جمع من العامه» در برخی از کتاب‌های اهل سنت دیده و این تعبیر را آورده است و یا مثلاً تعبیر کرده است «رواه غیره» یعنی غیر سید رضی نیز این خطبه را نقل کرده است.

۳. کتاب شرح نهج البلاغه نوشته میرزا حبیب‌الله خوبی.

۴. مصادر نهج البلاغه نوشته شهرستانی.

۵. استناد نهج البلاغه نوشته امتیاز علی عرشی.

۶. مصادر نهج البلاغه نوشته عبدالله نعمت.

۷. نهج السعاده نوشته علامه محمودی که در هشت جلد نوشته شده است.

۸. تکمله بر منهاج و شرح نهج البلاغه نوشته آیت الله حسن زاده آملی که به نوعی برخی از منابع و مأخذ را ذکر کردند.

البته این کتب در کنار برخی مقالات کوتاهی است که اشارات کلی به منابع کردند.

<sup>۱</sup> مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۳، ص ۱۴۸.

عمده کتاب‌هایی که در صدد جمع آوری منابع و مأخذ برآمده‌اند و مستند سازی کرده‌اند این کتاب‌ها است، اما همه این کتب نقص‌هایی از حیث عدم جامعیت نسبت به همه خطبه‌ها و حکمت‌ها و نامه‌ها دارند، مصادر برخی از خطبه‌ها و حکمت‌ها و نامه‌ها در این کتب نیامده است. زیرا یا از اساس قصدشان این نبوده که همه مصادر را جمع کنند یا بیشتر از این توان نداشتند و به مصادر دست پیدا نکردند.

اما اگر بخواهیم به کتاب‌های کاملتری در این زمینه اشاره کنیم می‌توانیم سه کتاب را نام ببریم:

۱. مصادر نهج البلاغه و اسانیده نوشته سید عبدالزهره حسینی که در چهار جلد نوشته شده است.

۲. مجموعه آشنایی با نهج البلاغه نوشته مرحوم دشتی که جلد یازدهم آن اسناد و مدارک است. ایشان در این جلد تلاش بسیاری کرده که اسناد و مدارک نهج البلاغه را آن‌هم با یک روش قابل استفاده و سهل‌المؤونه جمع آوری کند. یک جلد قطور است که می‌توانید به آن مراجعه کنید. منابع و مأخذ خطبه‌ها و حکمت‌ها و نامه‌ها را ذکر کرده است. گاهی برای یک حکمت یا نامه یا خطبه بیش از بیست منبع و مأخذ ذکر کرده است.

۳. تمام نهج البلاغه که در ابتدای بحث به آن اشاره کردم. ایشان نیز تلاش بسیاری کرده است. مؤلف محترم کار اضافه‌ای که نسبت به کتب نام برده انجام داده این است که سخنانی از حضرت علی (ع) که در کلمات سید رضی نیامده است را اضافه کرده و تمام منابع را بیان کرده است.

کامل‌ترین کتاب‌هایی که در مورد اسناد نهج البلاغه تا کنون تألیف شده است همین سه کتاب است که حالا انشاءالله به آن‌ها مراجعه می‌فرمایید.

سید عبدالزهره حسینی مطلبی را در مقدمه کتاب مصادر نهج البلاغه گفته است که در جلسه بعد به آن می‌پردازیم و بعد از آن وارد بحث اعتبار سنجی نهج البلاغه می‌شویم. به این معنا که آیا این اسناد معتبر است؟ اعتبار نهج البلاغه یک بحث است و مستند بودنش بحث دیگر. چند بار در لابه‌لای مباحث گذشته اشاره کردیم که مباحث اعتبار نهج البلاغه غیر از استناد و موضوع بودنش است. گاهی ادعا می‌شود که این مطالب جعل است و متعلق به حضرت نیست، بعد از فراغ از این مسئله که این مطالب جعل نیست و سید رضی جعل نکرده است و این را از حضرت نقل کرده است نوبت به این می‌رسد که آیا مرسلات سید رضی در این کتاب که ما سندش را پیدا کردیم اعتبار دارد یا خیر؟

«والحمد لله رب العالمین»